



Textual Construction of Femininity in the Early Women's Publications of Iran

Zeinab Akbari¹

DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.72.9.7

Research Paper

Received:
05 January 2025

Revised:
19 January 2025

Accepted:
19 April 2024

Published:
23 September 2025

P.P: 259-282

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



Abstract

Since the onset of modernity in Iran, that is, from the Constitutional Revolution period to the end of the first Pahlavi era, often referred to as the emergence of the issue of femininity and women's gender identity, women have encountered various ideologies of femininity. Language, particularly discourse analysis, provides a tool to examine the nature of these ideologies or discourses and how they are sustained. One of the rich linguistic sources that encode and perpetuate femininity ideologies is women's publications, as the history of these periodicals is closely linked to the history of representations and discourses of modern femininity. This study, based on a discourse analysis approach within James Paul Gee's theoretical framework, examines the textual construction of femininity in the first women's publications in Iran, published between 1910 and 1941. The findings indicate that these publications, through constructing diverse femininity ideologies such as "patriarchal femininity," "egalitarian femininity," "empowered femininity," "nationalist femininity," and "eroticized femininity," present a set of competing and potentially contradictory discourses about the ideal woman. Analysis of vocabulary, metaphorical choices, and rhetorical structures demonstrates how the language of these periodicals, in a historical continuum, positions femininity within a wide discursive spectrum, from the reproduction of patriarchy to the post-feminist construction of the ideal woman, where women's bodies and even sexual attractiveness are regarded as rich sources for identity formation and empowerment.

Keywords: Femininity; women's publications; Discourse analysis; Textual construction of identity.

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: ZAkbari@alzahra.ac.ir

Cite this Paper: Akbari'Z.(2025). Textual Construction of Femininity in the Early Women's Publications of Iran. *The Women and Families Cultural-Educational*, 20(72), 259–282.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

صص: ۲۵۹-۲۸۲

شابا چاپی: ۴۶۴۵-۴۹۵۵
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۶۹



برساخت متنی زنانگی در نخستین نشریات زنان ایران

زینب اکبری^۱

چکیده

زنان از آغاز فرآیند مدرنیته در ایران یعنی بازه تاریخی جنبش مشروطه تا پایان پهلوی اول که از آن با عنوان نقطه پیدایی مسئله زنانگی و هویت جنسیتی زن در ایران یاد می‌شود با ایدئولوژی‌های گوناگونی از زنانگی روبرو بوده‌اند. زبان، به‌ویژه تحلیل گفتمان، ابزاری برای بررسی چستی این ایدئولوژی‌ها یا گفتمان‌ها و چگونگی تداوم آن‌ها فراهم می‌کند. یکی از منابع غنی زبانی که ایدئولوژی‌های زنانگی را رمزگذاری و تداوم می‌بخشد، نشریات زنان است چنانکه می‌توان گفت تاریخ نشریات ارتباط تنگاتنگی با تاریخ بازنمایی‌ها و گفتمان‌های زنانگی مدرن دارد. پژوهش حاضر بر پایه رویکرد تحلیل گفتمان در چارچوب نظریه جیمز پل جی به بررسی برساخت متنی زنانگی در نخستین نشریات زنان ایران می‌پردازد که در فاصله سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۳۲۰ انتشار یافته‌اند. بر اساس نتایج پژوهش، این نشریات با برساخت ایدئولوژی‌های گوناگونی از زنانگی همچون «زنانگی مردسالار»، «زنانگی برابری‌خواه»، «زنانگی قدرتمند»، «زنانگی ملی‌گرا» و «زنانگی تنانه» مجموعه‌ای از گفتمان‌ها یا هویت‌های رقیب و بالقوه متناقض را درباره چستی زن ایده‌آل پیش رو می‌نهند. تجزیه و تحلیل واژگان، انتخاب‌های استعاری و ساختارهای بلاغی نشان می‌دهد که چگونه زبان نشریات در پیوستاری تاریخی زنانگی را در طیف گفتمانی گسترده‌ای از بازتولید مردسالاری تا برساخت پسا فمینیستی زن ایده‌آل قرار می‌دهد که بر اساس آن استفاده از بدن زنان و حتی جذابیت جنسی زنان منبعی غنی برای هویت‌بخشی و توانمندسازی زنان قلمداد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زنانگی، نشریات زنان، تحلیل گفتمان، برساخت متنی هویت.

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

Email: ZAkbari@alzahra.ac.ir

استناد: اکبری، زینب. (۱۴۰۴). برساخت متنی زنانگی در نخستین نشریات زنان ایران؛ فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، (۷۰)۲۰، ۲۵۹-۲۸۲.

DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.72.9.7

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

نشریات زنانه به عنوان متونی که به طور خاص به زنان می‌پردازند، منبعی غنی از ایدئولوژی‌های زنانگی مدرن هستند. تاریخ نخستین نشریات زنان ایران ارتباط نزدیکی با تاریخ بزرگ‌تری از بازنمایی‌ها و گفتمان‌های مدرن زنانه دارد. بازه زمانی انقلاب مشروطه تا پایان پهلوی اول آغازگاه کشمکش‌های زبانی و تکانه‌های گفتمانی دربارهٔ هویت زن است که با تبدیل شدن مسئله زن به یکی از موضوعات محوری تجددگرایی، در نشریات این دوره بدان پرداخته می‌شود. نظریهٔ هویت برآن است که هویت جنسیتی مهم‌ترین هویت اجتماعی فرد است و رسانه‌ها نخستین منابعی هستند که توسط افراد برای حفظ و تأیید آن به کار گرفته می‌شوند (اسنو، ۲۰۱۹: ۱۰۰). با توجه به اینکه ایدئولوژی‌ها یا گفتمان‌های جنسیتی، هویت‌های اجتماعی هستند که تا حد زیادی از طریق زبان تولید و شناسایی می‌شوند، از این رو زبان نشریات که در تداوم هنجارهای فرهنگی نقشی اساسی ایفا می‌کند، مورد توجه ویژه این پژوهش است تا نشان دهد نخستین نشریات زنان ایران چگونه به عنوان منبعی برای فرهنگ‌سازی زنانگی عمل می‌کنند و چه گفتمان‌هایی از زنانگی را تداوم می‌بخشند. لذا پژوهش پیش رو با استفاده از رویکرد زبانی تحلیل گفتمان بررسی خواهد کرد که چگونه گفتمان‌های رقیب زنانگی در نخستین نشریات زنان ایران رمزگذاری می‌شود و در پی پاسخ گفتن به پرسش‌های زیر است:

- ۱) نشریات در صدد احراز یا اعمال کدام هویت یا هویت‌ها برای زن ایده‌آل برآمده‌اند؟
- ۲) نشریات چه کنش‌هایی را به زنان نسبت می‌دهند و کدام گفتمان‌های زنانگی را بازتولید می‌کنند؟
- ۳) نشریات کدام اهداف، آمال و انگیزه‌ها را برای رسیدن به زنانگی ایده‌آل الهام‌بخش و ترغیب‌کننده می‌دانند؟
- ۴) نشریات چگونه گفتمان‌های گوناگون زنانگی را به یکدیگر می‌پیوندند یا آن‌ها را از هم تمایز می‌بخشند؟

مبانی نظری پژوهش

زنان، هویت جنسیتی و زبان: مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان بین «جنس» زیستی و بیولوژیک انسان و تجلی فرهنگی آن یعنی «جنسیت» تفاوت قائل می‌شوند. جنس بیولوژیک ذاتی است و در بدو تولد تعیین می‌شود، درمقابل «جنسیت از نظر اجتماعی ساخته و آموخته می‌شود» (Talbot, 1998: ۷). لذا در حالی که فرد مذکر یا مؤنث به دنیا می‌آید، از طریق اجتماعی شدن، مرد یا زن می‌شود. اصطلاحات «زنانگی» و «مردانگی»، توصیف‌هایی مبتنی بر فرهنگی از رفتارها، ویژگی‌ها و عادت‌هایی هستند که زنان و مردان باید از طریق یک فرآیند اجتماعی اعمال کنند. بر این اساس زنانگی «بر روندی اجتماعی دلالت دارد که در آن جنس مؤنث به کیفیت‌ها و ویژگی‌های خاصی منتسب می‌شود» (Betterton, 1987: ۷).

ایدئولوژی جنسیتی توسط جامعه، هم از طریق افراد مانند والدین، اعضای خانواده و بزرگان و هم از طریق نهادهای اجتماعی، تعیین و تقویت می‌شود. «هر جنسیت شکلی فرهنگی خاصی در برابر پس زمینه جنس بیولوژیک به خود می‌گیرد» (Wodak, 1977: ۳). در حالی که فرهنگ‌ها ممکن است در رفتارهایی که از مردان و زنان انتظار می‌رود متفاوت باشند «به دست آوردن آن‌ها بخش مهمی از یادگیری نحوه رفتار به‌عنوان مردان و زنان ایده‌آل و به‌هنگار در یک فرهنگ خاص است» (Talbot, 1998: ۶). فردی که می‌خواهد ایده‌آل و به‌هنگار باشد رفتار یا اعمالی را انجام می‌دهد که از جنس خود در آن فرهنگ انتظار می‌رود. به این ترتیب، برخی از نظریه‌پردازان از جنسیت به عنوان چیزی صحبت می‌کنند که اعمال یا انجام می‌شود. «اعمال جنسیت» به این معناست که مردان یا زنان مجموعه‌ای از ویژگی‌ها را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت خود به‌عنوان مرد یا زن ابراز می‌کنند (Wodak, 1997: ۱۳). با در نظر گرفتن جنسیت به‌عنوان یک ویژگی یا مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی که اعمال می‌شود، محققان می‌توانند ویژگی‌های متفاوتی که جنسیت را شکل می‌دهند، روش‌های متعددی که در آن ویژگی‌ها اعمال می‌شود و درجه‌ای که افراد جنسیت خود را اعمال می‌کنند، بررسی نمایند.

زنانگی یا اعمال جنسیت زنانه، در دوران معاصر به دلیل بسیاری از ایدئولوژی‌های متفاوت و گاهاً رقابتی که زنان با آن مواجه هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. «هیچ روش واحد و

یکپارچه‌ای برای اعمال زنانگی یا زن بودن وجود ندارد. در دنیای پیشرفته معاصر، نسخه‌های مختلف زنانگی در دسترس ما هستند. گفتمان‌های مختلف امکان دسترسی به زنانگی‌های متفاوت را برای ما فراهم می‌آورد» (Coates ۱۹۹۶: ۲۶۱). در عین حال، زنانگی در دسترس زنان بی‌حد و حصر نیست؛ محدودیت‌ها و شاخصه‌هایی برای هویت‌هایی وجود دارد که زنان می‌توانند برای زنانه دیده شدن وضع کنند. مطالعاتی که بررسی می‌کنند چگونه مردان و زنان «جنسیت» را اعمال می‌دهند، اغلب به تعدد هویت‌های جنسیتی توجه می‌کنند.

محققان زبان شناس دریافته‌اند که زنان به روش‌های مختلف «جنسیت» را اعمال می‌کنند. زبان‌شناسان نشانگرهای جنسیت را در سطوح مختلف زبان همچون «صدا، تلفظ، لحن، انتخاب کلمات، استدلال، واژگان، نحو، رفتار تعاملی و محاوره‌ای، همچنین ویژگی‌ها و حالت‌های بصری و ارتباط غیر کلامی» بررسی می‌کنند (Wodak ۱۹۹۷: ۱۱). ایشان دریافته‌اند که هویت جنسیتی دائماً از طریق زبان ساخته می‌شود و افراد در تعاملات مختلف هویت‌های جنسیتی را می‌سازند: در برخی موارد برای تقویت هنجارها و در موارد دیگر به چالش کشیدن و نقض آن‌ها. در هر جامعه «روش‌های تعاملی و دائماً در حال تغییری وجود دارد که افراد از زبان برای ساختن هویت و تعاملات جنسیتی خود استفاده می‌کنند که بیشترین بینش را در مورد نحوه عملکرد جنسیت در جوامع خاص ارائه می‌کند» (Holmes ۱۹۹۷: ۲۱۷). پژوهشگران زبان و جنسیت با اهداف مختلفی به کار خود نزدیک شده‌اند: چگونه زنان از خرده فرهنگ متفاوتی نسبت به مردان برخوردارند، چگونه زنان برای مطابقت با هنجارهای فرهنگی تلاش می‌کنند در حالی که در برابر هژمونی مقاومت می‌کنند، یا اینکه چگونه زنان و مردان در واقع از زبان به روش‌های کاملاً مشابه استفاده می‌کنند. اما پژوهش حاضر درصدد است نشان دهد که زنان در نخستین نشریات تخصصی منتشرشده در ایران چگونه از طریق زبان به طرد و پذیرش زنانگی‌های مختلف می‌پردازند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پرشماری به مسائل مرتبط با زنان در بازه تاریخی مشروطه و پهلوی اول و نیز بازنمایی زن در نخستین نشریات زنان ایران پرداخته‌اند اما وجه ممیزه و مشخصه نوآورانه پژوهش پیش رو در این موارد می‌توان خلاصه کرد:

۱) در اغلب پژوهش‌های موجود تاریخ انتشار نشریه ملاک بررسی محتوایی بوده و مضامین هر نشریه به طور مستقل و در یک سیر تاریخی بررسی شده است اما نتایج بررسی‌های زبانی نشان می‌دهد این نشریات حامل گفتمان‌هایی گوناگونی از زنانگی هستند که لزوماً پیروی از دوره زمانی انتشار آن نیست؛

۲) در هیچ‌یک از پژوهش‌های موجود مسئله هویت جنستی زن و نقش زبان زنان در برساخت آن مورد نظر نبوده است. در جدول زیر خلاصه‌ای از مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی که بیش‌ترین ارتباط را با پژوهش حاضر دارند ارائه می‌شود:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	محمدحسین شریفی ساعی (۱۴۰۱)	تاریخ بیداری زنان؛ بازنمایی مسائل زنان و خانواده در روزنامه‌نگار ی دوران مشروطه	تحلیل تماتیک تحلیل مضمون	در نشریات زنان در عصر مشروطه، خانواده ایرانی کانون دغدغه‌ها و مطالبات و سلطه پدرسالاری، ریشه تمام مسائل و مشکلات زنان از جمله ازدواج اجباری، کودک‌همسری، چندهمسری، خشونت خانگی، ممانعت از اشتغال و گسترش روسپی‌گری است.
۲	محمد سعید ذکایی، مریم امن پور، اندیشه اکبری (۱۳۹۸)	دیرینه‌شناسی برساخت زنانگی در ایران از عصر مشروطه تا پایان پهلوی اول	دیرینه‌شناسی فوکویی	سه گفتمان اصلی قدرت (حاکمیت سیاسی) با بهره‌گیری از ابزار قانون و قوه قهریه، گفتمان دینی (عمدتاً روحانیت تشیع) از طریق تفسیر آیات و احادیث و باب اجتهاد و نیز، گفتمان روشن‌فکری مهم‌ترین گفتمان‌های تأثیرگذار در برساخت زنانگی در این دوره هستند. در مقابل، گفتمان مقاومت زنانه با روایت‌های زنانه و نیز ترکیب و گزینش مؤلفه‌های هویتی هریک از این گفتمان‌ها سوژگی خود را به نمایش گذارده‌اند.

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۳	سیهلا ترابی فارسانی (۱۳۹۵)	زن و تحول گفتمان از خلال نشریه‌های زنان (از) مشروطه تا پهلوی)	تحلیل محتوا	نخستین نشریات زنان روند گذار از زن ایده‌آل سنتی به زن ایده‌آل مدرن را ابتدا با توانمند کردن زنان در چارچوب سنت و به شیوه‌ای محافظه‌کارانه پی می‌گیرند اما جنبش‌های سیاسی، از هم‌گسیختگی فرهنگی و اجتماعی و سایر عوامل موجب شد این نشریات در سیر تاریخی خود با رویکردی رادیکال و فراهنجار به مسائل زنان بپردازند.
۴	Emeksiz, G. (۲۰۲۱)	بازنمایی کلیشه‌ای زنان در تبلیغات آرایشی مجله سلامت زنان	نشانه‌شناسی اجتماعی	نشریات زنان در حوزه سلامت با «جنسیت‌زدگی خیرخواهانه» از بازنمایی‌های کلیشه‌ای زن برای تبلیغ لوازم آرایشی استفاده می‌کند. این مجلات به زنان نشان می‌دهند که چگونه نقش‌های جنسیتی باید از طریق بازنمایی‌های کلیشه‌ای درک شوند تا بتوانند آن را در زندگی واقعی به کار گیرند. مجلات با به‌کارگیری تصاویر زنان میان‌سال در تبلیغات می‌کوشند بازنمایی کلیشه‌ای زن را درهم شکسته و خود را پیش‌رو نشان دهد.
۵	Beijbom, M., Fabricius, A., & O'Doherty, K. C. (۲۰۲۳)	مجلات سلامت زنان و سلامت گرایی پسافمینیستی: تحلیل گفتمان انتقادی	تحلیل انتقادی گفتمان	تحلیل گفتمان محتوای متنی سه عنوان از محبوب‌ترین نشریات حوزه سلامت زنان طی سال ۲۰۱۸ در کانادا و ایالات متحده نشان می‌دهد که این رسانه‌ها به طور فزاینده مفاهیم متناقضی از زنانگی ایده‌آل و توصیه‌های متناقض در مورد چگونگی خوب زندگی کردن به عنوان یک زن ارائه می‌کنند. این نشریات زنانگی را خصیلتی بدنمند می‌دانند و علی‌رغم پرداختن به گفتمان «زن توانمند» ارزش‌های محافظه‌کارانه، مردسالارانه و عقلانیت نئولیبرالی را بازتولید می‌کنند؛ ویژگی‌هایی که نشان‌دهنده فرهنگ رسانه‌ای پسافمینیستی است.

روش‌شناسی پژوهش

نقطه شروع رویکردهای تحلیل گفتمان همان ادعای فلسفه زبانی ساختارگرا و پساساختارگراست که دسترسی ما به واقعیت همواره از طریق زبان است. زبان هم‌زمان ایدئولوژی‌ها را منعکس می‌کند و می‌آفریند. در استفاده از زبان که یک ایدئولوژی یا هویت به رسمیت شناخته شده اجتماعی را برمی‌انگیزد، فرد درگیر استفاده از یک گفتمان است و از طریق ابزارهای بلاغی، دستوری و واژگانی که به کار می‌گیرد، می‌تواند چارچوبی بسازد که اگر مخاطب آن را تشخیص دهد به دلیل گفتمانی که این ابزارهای زبانی تداعی‌گر آن است معنای عمیق‌تری دربر خواهد داشت. گفتمان‌ها به این دلیل عمل می‌کنند که دیگران نه تنها معنای ظاهری واژگان، ساخت‌های دستوری و ابزارهای بلاغی، بلکه مفاهیم اجتماعی زیربنایی را تشخیص داده و درک می‌کنند. این مفاهیم اجتماعی قابل تشخیص هستند زیرا سخنرانان چارچوب مرجع مشترکی دارند و از انتخاب‌های زبان شناختی آشنا که به ایدئولوژی زیربنایی اشاره می‌کند، استفاده می‌کنند. مدل تحلیل گفتمان پل جی (۲۰۱۴) شامل یک بخش زبانی و یک بخش غیرزبانی است. در بخش غیرزبانی، وی پرسش‌های بنیادی تحلیل گفتمان را مطرح می‌کند و سپس ابزارهای زبان شناختی مفیدی را برای پاسخ به آن‌ها پیشنهاد می‌کند. به باور جی یکی از کارکردهای زبان این است که به وسیله زبان کنش‌هایی را در جهان انجام می‌دهیم. انجام این کنش‌ها توسط زبان به ما این امکان را می‌دهد که چیزهایی را در جهان بسازیم یا نابود کنیم. هر زمان که سخن می‌گوییم یا می‌نویسیم همیشه و به طور هم‌زمان در حال ساختن یکی از هفت مؤلفه زیر در جهان واقع هستیم. البته اغلب به صورت هم‌زمان می‌توانیم چندین مؤلفه را در جهان بسازیم (Gee, 2018: 142):

- الف) **هویت‌ها:** گوینده می‌کوشد چه هویت یا هویت‌هایی را برای خود احراز کند یا به دیگران نسبت دهد؟ چگونه با زبان خود با هویت‌های موجود در متن برخورد می‌کند یا چه نوع هویت‌هایی برای دیگران در مواجهه با خود در نظر می‌گیرد؟
- ب) **کنش‌ها:** خود متن چه کنش‌هایی را انجام می‌دهد یا مرتکب می‌شود و چه کنش‌هایی را به هویت‌های موجود در متن نسبت می‌دهد؟

ج) **روابط اجتماعی:** در متن چگونه از واژه‌ها و ابزارهای دستوری برای ایجاد، حفظ یا تغییر انواع روابط میان هویت‌ها (گوینده، دیگر افراد، گروه‌های اجتماعی، فرهنگ، سازمان‌ها و نهادها) استفاده شده است؟

د) **پیوندها:** زبان متن چگونه برای ایجاد، قطع یا نادیده گرفتن پیوندها بین اشیا، رویدادها و افراد/گروه‌ها به کار رفته است؟

ه) **سیاست (کیفیت و کمیت توزیع کالاهای اجتماعی):** متن چه چیزهایی را به عنوان کالای اجتماعی در نظر می‌گیرد و نحوه توزیع و تحریم آن‌ها را در میان افراد و گروه‌های اجتماعی چگونه می‌داند؟

و) **دانش و نظام‌های نشانه‌ای:** چگونه از واژه‌ها و دستور برای ارجحیت بخشیدن به یک نظام نشانه‌ای خاص بر سایر نظام‌های نشانه‌ای (مثلاً ترجیح انگلیسی بر اسپانیایی، ترجیح زبان تخصصی بر زبان روزمره، ترجیح واژه‌ها بر تصاویر و ...) یا برتر دانستن دانش و باور خاص استفاده شده است؟

ز) **اهمیت:** نویسنده یا سخنگو چطور بعضی چیزها را مهم و برجسته در نظر گرفته و در مقابل اهمیت کمتری به چیزهای دیگری داده و به نوعی آن‌ها را به حاشیه رانده است؟

جی در کنار هفت وظیفه سازندگی زبان (seven building tasks)، شش ابزار نظری را معرفی می‌کند که بیانگر پیوند میان زبان با جهان و فرهنگ بوده و می‌توان از آنها برای واکاوی متن استفاده نمود (Gee، ۲۰۱۴: ۱۰۰): ۱) معانی موقعیتی (situated meaning)، ۲) زبان‌های اجتماعی (social languages)، ۳) بینامتنیت (intertextuality)، ۴) جهان‌های ترسیم‌شده، ۵) باورها، نگرش‌ها و ارزش‌های مرتبط با گفت‌وگو (۶) گفتگوهای غالب زمانه درباره موضوع متن (Conversation Big “C” Conversation). ابزارهای زبانی که مدل جی پیشنهاد می‌کند عبارتند از: نشانگرهای زبانی انسجام و پیوستگی (cohesion و coherence)، ضمایر و مانند آن، گزینش‌های لغوی، گزینش‌های دستوری، موضوع و تغییر موضوع، لحن و آهنگ و هنجارگریزی و آشنایی‌زدایی. به این ترتیب ساختار زیربنایی مدل تحلیل گفت‌وگو وی سه گانه «جهان، ذهن و زبان» را شکل می‌دهد و می‌توان مؤلفه‌های گفت‌وگو ساز و ابزارهای زبانی را در سه موضوع جهان، ذهن و زبان به شرحی که در جدول زیر آمده است طبقه‌بندی کرد:

مواد اصلی تجزیه و تحلیل	جهان	زبان	ذهن	
مؤلفه‌ها	هویت‌ها	زبان‌های اجتماعی	جهان‌های ترسیم‌شده	
	کنش‌ها	گزینش‌های واژگانی	باورها، نگرش‌ها و ارزش‌ها	
	روابط اجتماعی	گزینش‌های دستوری	بینامتنیت	
	پیوند بین اشیا، رویدادها و افراد یا گروه‌ها	انسجام و پیوستگی	گفتگوهای غالب زمانه (بیناگفتمانیت)	
	سیاست (کیفیت و کمیت توزیع کالاهای اجتماعی)	ارجاع، ضمایر و مانند آن	نظام‌های دانش	
	رویدادها	لحن و آهنگ		
		به‌گویی و دژگویی		
		معلوم و مجهول		
	اسم‌سازی (پنهان کردن عاملیت)			

جدول بالا به وضوح نشان می‌دهد که بنیان مدل جی بر این گزاره بنا شده که «زبان جهان را می‌سازد» و هدف تحلیل گفتمان تحلیل بازنمایی جهان در زبان و کشف حقیقت برای جویندگان است. پژوهش پیش‌رو با توجه به هفت مؤلفه مطرح شده در مدل گفتمانی جی و ابزارهای زبانی آن به بررسی نخستین نشریات زنان ایران می‌پردازد. نقطه شروع این پژوهش انتشار اولین نشریه زنان (دانش) در سال ۱۲۸۹ و نقطه پایان آن سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ است. طی این سال‌ها که ابتدای روند پرفراز و نشیب گذار ایران به مدرنیته به شمار می‌آید، ده عنوان نشریه به نام‌های دانش (۱۲۸۹)، شکوفه (۱۲۹۲)، زبان زنان (۱۲۹۸)، نامه بانوان (۱۲۹۹)، جهان زنان (۱۲۹۹)، عالم نسوان (۱۲۹۹)، جمعیت نسوان وطنخواه (۱۳۰۲)، پیک سعادتمندان (۱۳۰۶)، دختران ایران (۱۳۱۰) و راهنمای زندگی (۱۳۱۹) منتشر شد (نک. آژند، ۱۳۶۳؛ بیران، ۱۳۸۱ و رابینو، ۱۳۸۰) که تمام شمارگان باقی‌مانده از نشریات مذکور مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

بررسی هویت‌ها، کنش‌ها و اهداف و پیوندهای گفتمانی که نخستین نشریات زنان ایران برای زنانگی ایده‌آل در ساحت‌های مختلف واژگانی، دستوری و بلاغی رمزگذاری کرده‌اند، در قالب شش گفتمان محوری دسته‌بندی می‌شود که مهم‌ترین مؤلفه‌های سازندهٔ هر یک به شرحی است که در زیر آمده است:

(۱) زنانگی مردسالار: اگرچه اغلب پژوهش‌های پیشین مهم‌ترین وجه گفتمانی نخستین نشریات زنان ایران را مبارزه با فرهنگ مردسالاری قلمداد کرده‌اند، پژوهش پیش رو نشان می‌دهد برخلاف خوانش مسلط، در موارد بسیاری زبان این نشریات به عنوان یک سازوکار ایدئولوژیک به شکل نامحسوس در پی بازتولید شرایط سلطه و سرکوب هرگونه کنشگری زنان است. بازتولید زنانگی مردسالار هم در زبان نسل متقدم نویسندگان این نشریات دیده می‌شود که می‌کوشند سلطهٔ جنسیتی مردان و فرودستی زنان را برآمده از تفاوت‌های طبیعی و ذاتی بین دو جنس بدانند، هم در زبان نسل متأخر روزنامه‌نگارانی که با رویکردهای رادیکال‌تر مسائل زنان را پی می‌گیرند. در نسل متقدم اگرچه گفتمان «حق‌طلبی»، سلطهٔ مردانه را موجب محرومیت زنان از حق آموزش و تربیت (نشریه نامهٔ بانوان، ۱۳۰۰، شماره ۱۳) و در نتیجه انقیاد جنسیتی ایشان می‌دانست، در مقام استدلال این حق را از آن رو که تضمین‌کنندهٔ منافع مردان است روا می‌دارد (شکوفه، س ۱، ش ۶: ۲). زنانگی مردسالار تفاوت فیزیولوژیک-بیولوژیک زنان و مردان را مبنای تفاوت‌های اجتماعی و به تبع آن، قرار دادن زنان در نقش‌های فروتر اجتماعی و در کل نابرابری زن و مرد می‌داند و معتقد است «وظیفهٔ مردان که از حیث بنیه و عضلات قوی‌تر از زنانند آن است که خود را در انواع مهلکه و صدمات گوناگون انداخته تا امور زندگانی چند نفر عیال و اولاد خود را اداره کند... و وظیفهٔ زن که مؤسسهٔ ادارهٔ بیتی و این شغل عالی بزرگ بکند» که «اگر در این شغل عمدهٔ عالی تأخیر و تهاون نماید... مثل درخت بی‌بر و شاخهٔ بی‌ثمر» خواهد بود در نتیجه «باغبان بیخس ببرد و تنش در آتش بسوزاند» (شکوفه، ۱۳۳۱، ش ۴: ۲).

بررسی گزینش‌های واژگانی و نحوی در مجموعه رباعیاتی که بر روی جلد نشریهٔ عالم نسوان درج می‌شد و نیز مجموعه اشعاری که در بخش ادبی این نشریه به چاپ می‌رسید، نشان می‌دهد

زنان برای اعمال زنانگی از سازوکارهای بلاغی و نحوی همچون غرغر، سرزنش، نفرین، سوگند استفاده می‌کنند که کلیشه‌های جنسیتی زنانه را بازتولید می‌کند. سرود «کاشکی که من نبودم/یا آنکه زن نبودم» (عالم نسوان، س ۲، ش ۴: ۴۱) «مردان وطن زن به خدا جانی نیست» (همان، س ۳، ش ۳. روی جلد) «الهی ما مگر کم تر زمرغیم/که نگشایند از ما بند فولاد» (همان، س ۳، ش ۵: روی جلد) یا مقایسه توانمندی زنان و مردان در رفع معضلات ملی در تقابل استعاری عقاب و پشه در شعر «جاییکه عقاب پر بریزد/ازپشه لاغری چه خیزد» (همان، س ۲، ش ۲: ۲) همگی بازتولید سلطه در زبان طبقه تحت سلطه است.

درحالی که مردسالاری به عنوان یک نهاد و نظام معطوف به قدرت، یک الگوی «زن آرمانی» به مخاطب تحمیل کرده است که مجری منویات و حافظ منافع گروه خودی است زبان این نشریات با به کارگیری شاخص‌های مرتبط با کلیشه‌های جنسیتی به بازتولید این الگو می‌پردازد. از جمله این کلیشه‌ها وابستگی و عدم توانایی خود مدیریتی در زنان است. زنان از طریق زبان می‌آموزند که فقدان ذاتی برخی ویژگی‌ها آن‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهد که مستلزم حمایتگری هستند: «زن در مرد به چشم حامی دلیر و مدافع قوی پنجه می‌نگرد و او را ملاذ و ملجأ خود می‌شمارد... آن به ضعف و لطف و رقت زن شیفته گشته او را رب النوع جمال تصور می‌کند. این به رشادت و پردلی و صفات مردانه نازیده او را دارای قدرت و غلبه فرض می‌کند» (شکوفه، ۱۳۱۱، ش ۲: ۲). وقتی مزین السلطنه به مردان توصیه می‌کند «در نهایت حدت و جدیت ناظر اعمال و رفتار و افعال زنان باشند و مربی اخلاق و اطوار ایشان» و همچنین از ایشان می‌خواهد «فرار از کید زنان را به مصداق یوسف اعرض عن هذا سرمشق نموده و تصدیق به ان کیدکن عظیم نموده» (شکوفه، ۱۳۳۳، ش ۲: ۳) در چارچوب مقولات و کلیشه‌هایی می‌اندیشد که مردان طراحی کرده‌اند. یکی از مقالات نشریه دانش در تبیین استعاره‌ی «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانه» خطاب به مرد می‌گوید: «آیا انصاف است که بیچاره زن وقتی که طوق اطاعت تو را به گردنش انداخت، شما او را بنده صرف بدانید... بیچاره زن چه بکند آرزویش را تمام در رضایت و خشنودی شما می‌بیند» (دانش، ۱۲۹۸، ش ۶: ۸).

در انبوه متون روشنفکری این دوره زن پیشامدرن نه تنها «آلت معطله و بیکاره» (نک: جبل‌المتین، ۳۲ جمادی‌الثانی: ۷۱ و دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۱۳) است بلکه از آنجا که سالیان طولانی

است که بی هیچ مشغولیتی روز و شب «کار و رفتارش به این محدود است که گاهی می‌رود لب آینه خودش را تماشا می‌کند» (شکوفه، ۱۳۳۳: ۳)، به مرض «جمال‌اندوزی» شده است. نخستین نشریه زنان ایران از یک سو به تقابل گفتمانی «جمال‌اندوزی و کار» می‌پردازد و به زنان گوشزد می‌کند «حال و نظافت خود را مقدم بدارید و کارهای خانه را به دستورالعمل حالی کلفت بنمایید که او انجام بدهد و شما به واسطه زحمات سخت، ناخوش نشوید. توجه حال خود و تغییر لباس و پاکیزگی برای شما از هر چیز مقدم‌تر است زیرا که فایده اول آن، آنست که بچه‌های شما پاکیزگی و تمیزی را از شما یاد می‌گیرند و به همانطور تربیت خواهند شد و دیگر آنکه همیشه در نزد شوهر خود پسندیده و مقبول خواهید شد» (دانش، ۱۳۲۹: ۷). از یک سو بر فشار اجتماعی جهت کار نکردن زن صحنه می‌گذارد و می‌گوید: «اگر یک خانمی فطرتاً غیر تمدن باشد و بخواهد در خانه خود یک کاری انجام بدهد و شخصاً مباشر کار باشد، چهار نفر دیگر لامحاله مانع او می‌شوند که خانم شأنش اجل است از اینکه فلان کار را بکند» (همان) و از سوی دیگر مصادیق مشخصی از عطلت را از زنانگی ایده آل طرد می‌کند. یکی از مصادیق بی‌کارگی و تن‌پروری زنان که به تکرار در این نشریات نقد می‌شود «رسم دایه‌گزینی» است. لیدی شل در سفرنامه خود می‌نویسد «زنان ایرانی حتی اگر بسیار ثروتمند هم نباشند، ترجیح می‌دهند نوزاد خود را به دایه بسپارند» نشریه دانش طی چند شماره با آشنایی‌زدایی از مثلی معروف، زنان را از دایه‌گزینی باز می‌دارد چرا که «دایه از مادر مهربان‌تر نمی‌شود» و استدلال می‌کند که «طیور و وحوش و بهایم و سیاح تماماً به شخصه متکفل و متعهد تربیت اطفال و اولاد خود هستند و شما در کثرت ناز و استکبار، طفل خود را در تحت نظر دایگان بی‌تربیت بی‌رحم وامی‌گذارید» (دانش، ۱۳۲۹: ۳). همچنین در قیاس کلامی زنان را فروتر از «گرگ آدم‌خوار که خبیث‌ترین حیوانات است» می‌نهد و با این استدلال که «هیچ‌یک از حیوانات پدر معینی ندارد؛ یعنی تمام زحمات بچه به عهده مادر است» وظیفه فرزندپروری را در زنانگی منحصر می‌کند (شکوفه، ۱۳۳۱، ش ۶: ۲).

مهم‌ترین کنش زن ایده‌آل در نشریه دانش مدیریت و کنترل است که البته از سوی زن و بر زن دیگر اعمال می‌شود. مجموعه مقالاتی که خانه‌داری را در مقام «علم» به بانوان می‌آموزد تأکید دارد «خانم نباید آلت دست خدمتکارها بشود. یعنی خدمتکارها بر او مسلط شوند... زن در خانه یا فرمانده است یا فرمانبر. فرمانده باید زمام امور خود را محکم در دست بگیرد که حاجت به کار

بردن تازیانه نشود... [وگر نه] ناچار آن زمام به دست کلفت خواهد افتاد» (دانش، ۱۳۸۹: ۴). نشریه *عالم نسوان* ذیل مطالبی در رابطه با «قانون خانه‌داری» به ضرورت تعیین «پروگرامی» برای هر خدمتکار توسط زنان تأکید می‌ورزد (عالم نسوان، ۱۳۹۹: ۱۱). اگرچه روساخت دستورالعمل‌های خانه‌داری به کارگیری عقل‌گرایی و علم‌گرایی مدرن به منظور برساخت زنانگی خردگرا و تعریف زن به عنوان «ملکه مملکت خانه» (شکوفه، ۱۳۳۱، ش ۲: ۲) است در ژرف‌ساخت آن بازتولید سلطه و چرخش مجدد نظم به بند کشاننده فرهنگ مردسالاری نهفته است. در این فرآیند زن به تدریج به موجودی تبدیل می‌شود که خود او سلطه را به صورت نیابتی اعمال می‌کند. زن دیگر کسی نیست که در مقابل قدرت قرار داشته باشد بلکه خود او مناسبات قدرت را بازتولید می‌کند. او همزمان به کسی که قدرت را اعمال می‌کند و کسی که قدرت را می‌پذیرد تبدیل می‌شود و به تعبیری همزمان به فاعل قدرت و مفعول قدرت دگردیسی می‌یابد. دوبوار در کتاب *جنس دوم* به این مسأله می‌پردازد که در فرهنگ مسلط، مرد به عنوان عنصر فرادستی به‌مثابه یک هنجار و یک اصل در نظر گرفته می‌شود درحالی‌که زن، زائده و ناهنجاری و به عنوان موجودی فرودستی، طفیلی وجود عناصر فرادستی است (نک. دوبوار: ۱۳۸۰: ۳۲/۱). با منحرف ساختن ذهن مخاطب، سلطه یک گروه فرادستی (زنان طبقه اشراف) بر گروه فرودستی (زنان کلفت و کارگر) را طبیعی و یا فطری جلوه داده، ضمن تثبیت وضع موجود، به فرایند سلطه و تحکم استمرار می‌بخشد.

در این گفتمان یکی از ارکان زنانگی ایده‌آل نگه‌داری، تیمار و مراقبت کردن است که نشریه شکوفه در اولین شماره خود سازوکار آموختن آن را ضمن تمثیلی چنین بیان می‌کند: دختر «امانتی» است در خانه پدر و تا زمان برگرداندن امانت به صاحب آن «که خداوند امر کرده خانه شوهر باشد» باید در منزل پدرومادر که «حکم مدرسه» دارد از وی نگه‌داری کرد و مادر در مقام «معلمه مهربان» اقسام نگه‌داری‌ها را از «خانه‌داری» و «شوهرداری» گرفته تا «مردم‌داری»، «بیمارداری»، «بچه‌داری» و «خادمه‌داری» به او بیاموزد (شکوفه، ۱۳۳۱، ش ۱: ۳).

۲) زنانگی ملی‌گرا: بررسی رابطه جنسیت و ناسیونالیسم ازهرجهت با نظریه‌ها و رویه‌های تجدد و مدرنیاسیون ارتباط دارد: زیرا مدرن کردن جامعه ایران و شکل‌گیری زن مدرن ایرانی با شکل‌گیری اندیشه‌ها و ساختارهای سیاسی ناسیونالیستی هم‌زمان بوده است. در ارتباط با

فرآیندهای ملی‌گرایانه و نقش‌آفرینی زنان، چند اصل را می‌توان در نظر گرفت: (۱) زنان به عنوان باز تولیدکننده‌های بیولوژیکیِ اجتماعات قومی؛ (۲) نقش زنان در بازتولید ایدئولوژیک جمعی و انتقال‌دهندگان فرهنگی و (۳) شرکت‌کنندگان در مبارزات ملی، اقتصادی، سیاسی و نظامی (Davis, ۱۹۹۷: ۱۱۶). در این گفتمان زنان به عنوان «تنها تیری که ایران در مقابل عقب‌ماندگی‌ها از دول هم‌عصر و هم‌جوار در ترکش دارد» (دختران ایران، ۱۳۱۰، س اول، ش ۱: ۲۲) بازتعریف می‌شوند و بر سه وظیفه اصلی ایشان تأکید می‌شود: (۱) مسؤولیت نجات «ملت»، «نژاد ایرانی» و نسل‌های آینده از دو راه «توالد و ازدیاد نسل» و «حفظ الصّحه»: از یک سو بر آن است که برای زن «چه کار بهتر از مرد کار پروردن؟» (زبان زنان، ۱۳۲۳: ۳) لذا با استناد به بیت «زنان را همین بس بود یک هنر/نشینند و زاینند شیران نر» زادن و پروردن نیروی کار سالم و قوی برای مملکت را مهم‌ترین تکلیف زن می‌دانند و از سوی دیگر چون بیماری‌های همه‌گیر ضربات مهلکی بر سامان جمعیتی کشور وارد آورده و تمامیت اقتصادی، نظامی و سیاسی کشور را با خطر روبه‌رو ساخته بود آگاه شدن زنان به زمینه پیدایش این بیماری‌ها و توانمندسازی آن‌ها در انجام اقدامات پیش‌گیرانه را در رئوس مطالب نشریات پی گرفتند؛ (۲) از آنجا که زنان فقط بازتولیدکنندگان بیولوژیکی نیستند، بلکه بازتولیدکنندگان فرهنگی یعنی نگهبانان فرهنگ و مسئول انتقال آن به کودکان و برساخت وطن به سبک فرهنگی خاص هستند، دومین کنش زنانه پرورش اخلاقیات ملی‌گرایانه در نسل نو به عنوان «ناجی و محیی یک ملت مضمحل و مغلوب از طرف خدا» (دختران ایران، ۱۳۱۰: ش ۱: ۲۸) است. از این روست که بر نقش زنان در ایجاد و تشدید عواطف وطن‌دوستانه در طول تاریخ تأکید می‌شود: «تا زمان خاقان فغفور قشون ایران زن با خود همراه می‌بردند تا همت و غیرت و شهامت و شجاعت مرد زیاد شده بر دشمن ظفر یابد» (جمعیت نسوان وطنخواه، س اول، ش ۱: ۱۲). و حسن تربیت مادران تمدن‌سازی مثل مادر تیبریوس و گایوس گراکوس (اصلاح‌طلبان رومی)، مادر ناپلئون که «حس جاه‌طلبی و اعتلایش به اعلا درجه بود»، مادر سقراط، بوعلی و مادرانی از این دست به عنوان الگوی زنانگی ایده‌آل معرفی می‌شود (دختران ایران، ۱۳۱۰، س او، ش ۱: ۳). یکی از پررنگ‌ترین شاخصه‌های زنانگی ملی‌گرایانه که حجم وسیعی از مقالات، اشعار، داستان‌پردازی‌ها و حتی مطایبات را دربرمی‌گیرد مبارزه با مصرف‌گرایی و مشارکت در تولید ثروت ملی است. از همین روست که «امتناع از خرید مال‌التجاره کشور

بیگانه» (عالم نسوان سال ۲ ش ۵: ۲۲) نشان نسوان مترقی و «جزء عمدهٔ تمام دردهای جانگداز اقتصادی امروز ایران، اسراف و تبذیر بانوان بی‌علم و جاهل» دانسته می‌شود که «آخرین دوی آن صرفه‌جویی و توجه به علم اقتصاد است» (جمعیت نسوان وطنخواه، س اول، ش ۲: ۸). همچنین زن ایلات و دهات که کارشان «افزودن به دارایی و خدمت به اقتصاد» است بر خانم‌های شهری که کارشان «اسراف کاری و تقدیم مبلغی از تمول مملکت به اجانب در طی هر روز» (عالم نسوان سال ۳ ش ۳: ۲۶) است ترجیح داده می‌شوند. خرید «اطلس‌های کنتواری و زرری‌های ایران‌ویران‌کن» (عالم نسوان سال ۲ ش ۳: ۳۷) مذمت می‌شود: «این اطلس و دیبای اجانب سمی است/در کاسهٔ ما... چرا چنین می‌نوشیم؟» و مصرف کالای وطنی توصیه می‌شود چرا که «کرباس وطن شرف به دیا دارد/برقامت ما منظر زیبا دارد» (عالم نسوان سال ۲ ش ۵: ۴۱)؛ ۳. علاوه بر توصیه به مصرف کالای ملی، اقدام عملی زنان یعنی مشارکت مستقیم ایشان در تولید نیز ضروری است: «از چه تجارتخانه اندر خانه نبود؟/زرگر اگر زن شد دگر بیگانه نبود... کفش زنان را از چه رو خود زن ندوزد؟/هر زن که از زن ناخرد دیوانه نبود؟» (دختران ایران، ۱۳۱۱، ش ۳: ۲۵). لذا در حالی که زنانگی مردسالار تنها شغل زن را «شغل عمدهٔ عالی خانه‌داری» (شکوفه، س ۱، ش ۴: ۱) می‌داند، گفتمان ملی‌گرا دایرهٔ مشاغل زنانه را به صنعت و تجارت و حتی کارآفرینی می‌گسترده و با انتقاد از محدودیت فضای کار زنان معتقد است «کار زن‌ها چرا بایستی محدود به معلمی باشد... {باید} ایجاد کسب و کار نمایم مخصوصاً حالا که اجناس خارجه متروک است و آنچه است از گرانی قیمت، حاصلی برای ما ندارد» (همان). نشریهٔ عالم نسوان ذیل تمثیلی با عنوان «مجلس انجمن ملل شرق» با لحنی معترضانه به غفلت زنان ایران از وظایف ملی‌گرایانهٔ خود در مقایسه با زنان سایر ملل آسیایی اشاره می‌کند. در این تمثیل هر یک از ملت‌ها را به شکل استعاری به منزلهٔ زنی بازنمایی می‌شود که برای شرکت در یک مهمانی باشکوه و رسمی لباس و زیورآلاتی از دستاوردهای شاخص آن ملت به تن دارد: «خانم ژاپون لباس معارف و کفش صنایع، خانم هند پارچهٔ نهصت، خانم مصر لباس اصلاحات اجتماعی، خانم عثمانی جامهٔ ادبیات، تاج وزارت، دست‌بند و کالت و گردن‌بند وطن‌پرستی و ...» اما خانم ایران «با یک لباس مندرسی در گوشه‌ای افتاده و به خواب رفته... واردین مجلس هر یک تک‌پایی به او زده و می‌گویند: آهای بلند شو جای خانم‌ها را تنگ نکن» (عالم نسوان، س ۲، ش ۵: ۲).

۳) **زنانگی برابری خواه:** مفهوم «برابری» بنیادی‌ترین اصل اندیشه لیبرال فمینیستی است و بر مبنای تأکید بسیار به همین مفهوم فمینیست‌های لیبرال تحت عنوان جناح برابری خواه شناخته می‌شوند. فمینیست‌ها استدلال می‌کردند که نابرابری میان زنان و مردان از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد و از هیچ گونه تفاوت مهم زیست‌شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی‌شود (ابوت، ۱۳۸۴: ۱۲۸). جمعیت نسوان وطنخواه در بیانی قیاسی سلطهٔ مردان بر زنان به دلایل زیست‌شناختی را تنها در صورتی پذیرفتنی می‌داند که «تسلط ملل فرنگ بر ملل شرق را مزایای فطری ایشان و سیاهی مو و چشم ایرانی‌ها، کوتاهی قامت چینی‌ها و تیرگی رنگ هندی‌ها» (جمعیت نسوان وطنخواه، س ۱، ش ۲: ۶) بدانیم. هم از این‌رو است که مردان علی‌رغم اینکه زن خلقتی ناقص می‌انگارند از مواهب زنان اندیشمند در جامعه بهره می‌برند. مگر نه اینکه «ولتر چقدر اصرار نمود که جز تردد و تحیر چیزی در زن یافت نمی‌شود و قواعد علمیه را نمی‌فهمد در صورتی که او افکار نیوتون را با واسطهٔ مادام دوشاتلد مترجمهٔ کتاب قانون جاذبیت فهمیده بود(همان: ۵).

در زبان نخستین نشریات زنان ابزارهای بلاغی فراوانی برای بازتولید گفتمان برابری به خدمت گرفته شده‌اند. عالم نسوان در قالب استعارهٔ شناختی زندگی سفر است، زن و مرد ایرانی را در مقام دو اسب، نیروی محرکهٔ کالسکه بازنمایی می‌کند که «قوت و چابکی و سن آن‌ها خیلی مختلف، یکی بالنسبه تندرو و سرکش و دیگری ضعیف و کندسیر و بی‌تجربه است» لذا گاری به درستی حرکت نمی‌کند و مسافران به مقصد نخواهند رسید (عالم نسوان، س ۳، ش ۳: ۴۰) از همین روست که «اختلاف تربیت و معلومات سبب عدم ارتباط و موافقت تامه بین زن و مرد گردیده است لذا از برای تحکیم میان زن و شوهری که پایهٔ زندگانی و کامرانی هر دو طرف است» لازم است وسایل ترقی و تربیت زنان فراهم شود (همان: ۳۴):

جفت باید بر مثال همدگر / در دو جفت کفش و موزه درنگر

گر یکی کفش از دو، تنگ آید به پا / هر دو جفتش کار ناید مر تو را

جفت در، یک خرد و آن دیگر بزرگ؟ / جفت شیر بیشه دیدی هیچ گرگ؟

راست ناید بر شتر جفت جوال / آن یکی کوچک و آن دیگر کمال

(عالم نسوان، س ۲، ش ۳: ۳۳)

البته تأکید بر برابری نه بر طبق حقوق طبیعی بلکه بر اساس مکتب «سودانگاری» اجرای حقوق برابر دربارهٔ نیمی از جامعه یعنی زنان را به نفع جامعه می‌دانست و بر آن بود که در این صورت مجموعه قابلیت‌های ذهنی که در اختیار بشر قرار می‌گیرد دو برابر خواهد شد و به خدمت نگرستن استعداد‌های نیمی از جمعیت لطمه بسیار شدیدی به جامعه بشریت وارد می‌کند (میل، ۱۴۰۲: ۱۳۱).

چنانکه در یک بیان استعاری به طور مکرر زنان ایران «نیمهٔ بدن» جامعه بازنمایی می‌شوند که «مفلوج و بی‌حس و حرکت است» (جمعیت نسوان وطنخواه، س ۱، ش ۲: ۵).

در گفتمان زنانگی برابری خواه هم‌ترازی زن و مرد اساس فعالیت‌های بشری و رابطهٔ زن و مرد به منزلهٔ رابطهٔ کشتی و کشتیان دانسته شده است: «چو ناخداست خردمند و کشتی اش محکم/دگر چه باک ز امواج و ورطهٔ طوفان» لذا به بیان استعاری «همان قسم که کمان بدون زه کمان نیست، مرد هم بدون زن مرد نیست» (دختران ایران، ش ۳، ۱۳۱۱: ۱۶).

۴) زنانگی قدرتمند: پژوهش‌های پرشماری نشان می‌دهد بازنمایی‌های کلیشه‌ای زنان و زبانی که خود ایشان اغلب استفاده می‌کنند، زنان را کمتر از مردان قدرتمند نشان می‌دهد (Lakoff، ۲۰۰۳؛ McConnell-Ginet، ۲۰۰۴؛ Hall، ۲۰۰۴). این محققان بر اساس نظریهٔ «سلطه» معتقدند گونه‌ای «زبان زنانه» وجود دارد که متشکل از مشخصه‌های زبان‌شناختی معین است و دلالت بر احتیاط، احترام و عدم اقتدار دارد» (کامرون، ۱۹۹۲: ۱۵) لذا پیشنهاد می‌کنند که زنان باید به دنبال راه‌هایی برای گنجاندن زبان قدرتمندتر و اعمال هویت جنسی قوی‌تر باشند. بازنمایی کلیشه‌ای این هویت جنسی قدرتمندتر شامل صفاتی چون مستقل، با اعتماد به نفس، قاطع، پرخاشگر، مسلط، رقابت‌پذیر، فعال، منطقی، مادی، ماجراجو و جاه طلب بودن است (لیپر، ۱۹۹۵).

آنچه در پژوهش حاضر «زنانگی قدرتمند» خوانده می‌شود با زنانی مشخص می‌شود که خود را قدرتمند و تهاجمی نشان می‌دهند. به لحاظ ساختار بلاغی یکی از مهم‌ترین بخش‌های نخستین نشریات زنان شامل معرفی زنان مترقی و نامدار جهان است که تحت عناوینی چون «اخبار ترقیات نسوان»، «زنان بزرگ و توانا»، «بانوان نامدار» و ... مصادیق زنانگی ایده‌آل را به خوانندگان خود می‌شناساند. در این بخش گاه زنان شاخص در حوزه‌هایی معرفی می‌شوند که با خصایل مردانه پیوند خورده و تداعی می‌شود. از جملهٔ این زنان که با تصاحب چنین قلمروهایی از آن‌ها جنسیت زدایی کرده‌اند در این نشریات به افراد زیر اشاره شده است: کاترین دو میدیسی ملکهٔ «سفاک و

خونریز» فرانسه است که با عنوان «زن ناطقه سیاست» از او یاد می‌شود و نقش اصلی در کشتار سن‌بارتلمی، بزرگ‌ترین کشتار مذهبی تاریخ اروپا داشت (جمعیت نسوان وطنخواه، س اول، ش ۲:)، ژاندارک دوشیزه روستایی کم سن و سال که «رهبر و فرمانده» میدان‌های نبرد تن به تن قرون وسطایی فرانسه بود، گریس دارلینگ (۱۸۱۵-۱۸۴۲) که مدال نقره شجاعت را از مؤسسه ملی سلطنتی برای نجات بازماندگان کشتی غرق شده انگلیسی دریافت کرد (دختران ایران، س اول، ش ۳: ۳۹) گرتروود ادول نخستین زنی که عرض کانال مانس را در ۱۴ ساعت و ۳۱ دقیقه شنا کرد و با شنا از فرانسه به انگلستان رفت (همان: ۱۳) گردآفرید پهلوان زن ایرانی که در سیاست‌مداری و جنگ‌آوری از مردان سراسر (۳۹). این نشریات به‌ویژه با بیان توانمندی و مهارت زنانه در مشاغلی که غالباً مردانه شناخته می‌شوند، می‌کوشند هویت‌های جنسیتی قدرتمند را اعمال کنند. به عنوان مثال *عالم نسوان* ذیل بخش «اخبار ترقیات نسوان» از دختری به نام قمرنظام سخن می‌گوید که در ژاندارمری به تأمین امنیت طرق و شوارع، دستگیری سارقین و استرداد اموال مسروقه پرداخته و دست‌چپش در خدمت به دولت از اثر گلوله معیوب شده است (عالم نسوان، ۱۳۰۱: ۱۸) یا نشریه دختران ایران از خانم اسمرالدا براسکو نام می‌برد که «ممتحن چترهای نجات طیارات است حال آنکه بعضی از امثال وی و دختران هم سن و هم‌شأنش البسه زنانه را در مغازه‌های خیاطی پوشیده با هیکل و اندام خود آن‌ها را به معرض نمایش می‌گذارند» (دختران ایران، س اول، ش ۷: ۲).

به‌زعم برخی پژوهش‌گران زنان با ارجاع به داستان‌هایی که در آن خود را تهاجمی و سرسخت (دی و همکاران، ۲۰۰۳) و بی‌احساس و مقتدر (مک‌الهی، ۱۹۹۵) نشان می‌دهند یک ایدئولوژی زنانگی را می‌سازند که قدرتمندتر، قاطع‌تر و منطقی‌تر است. زبان این نشریات گاه خصلت‌های پرخاشگرانه، خشونت‌آمیز، و سایر ویژگی‌های «غیر زنانه» را توصیه می‌کند یا به قهرمان داستان نسبت می‌دهد. مثلاً در مقاله‌ای با عنوان «جهاد ما» زنان با بیان استعاری جهادگرانی نامیده می‌شوند که باید تا پای جان برای احقاق حقوق خود پافشاری کنند، چرا که «سربازی که به عزم دفع دشمن مسلح شده به میدان جنگ می‌رود، اطمینان کلی به فتح و فیروزی دارد؟ نه بلکه می‌رود که کشته شود و یا فاتح شود لهدا ما هم اگر بخوایم در این راه جهاد نماییم از هیچ چیز نباید خوف داشته باشیم» (عالم نسوان، س ۲، ش ۲: ۳۸).

۵) زنانگی تنانه: بررسی زبانی و بلاغی نخستین نشریات زنان نشان می‌دهد که بدن زن همواره به عنوان راهی برای به تصویر کشیدن ایدئولوژی‌های مختلف زنانگی مورد توجه نویسندگان بوده است. اهمیت بدن در بازنمایی هویت زن از چند جهت است: (۱) بدن محل تفاوت‌های بیولوژیک زن و مرد است. «بدن در مفاهیم مدرن جنسیت نقش اساسی دارد. مؤلفه‌های دوگانگی جنسیتی که در جامعه معاصر مفهوم‌سازی می‌شود - از جمله قدرت و ضعف، فعالیت و انفعال، جنسیت و بی‌طرفی - به‌طور جدایی‌ناپذیری با امر جسمانی مرتبط هستند. «ماهیت» مردانگی یا زنانگی ذاتاً بدنمند/تنانه است» (گیملین، ۲۰۰۲: ۳؛ ۲) بدن همچنین به‌طور نمادین بازنمایی خود است. روی بدن و از طریق بدن، فرد از لباس‌ها، زینت‌ها و حرکات بدن برای نشان دادن طبقه اجتماعی، ثروت، مذهب و قومیت، در میان دیگر طبقه‌بندی‌های فرهنگی-اجتماعی استفاده می‌کند (همان). بوردو توضیح می‌دهد «بدن یک فرم نمادین قدرتمند است، سطحی که قوانین مرکزی، سلسله مراتب و حتی تعهدات متافیزیکی یک فرهنگ بر روی آن حک شده و در نتیجه از طریق زبان عینی بدن تقویت می‌شود» (۱۹۹۳: ۱۶۵). برای زنان، بدن شکل نمادین بسیار مهمی است، زیرا آن‌ها به‌طور سنتی راه‌های دیگری مانند مکانیسم‌های مالی یا سیاسی برای به تصویر کشیدن خود نداشتند؛ (۳) بدن جایی است که فرد فرهنگ خود را می‌پذیرد و به تصویر می‌کشد یعنی «بدن‌ها بیانیه‌های اجتماعی هستند» (فریدمن، ۱۹۸۶: ۱۵۲). بوردو می‌نویسد، «دیگر توصیفات شفاهی یا تمثیلی از چیستی زن‌بودگی یا زنانگی به ما داده نمی‌شود بلکه ما قوانین را مستقیماً از طریق گفتمان بدنی یاد می‌گیریم: از طریق تصاویری که به ما می‌گویند چه لباس، فرم بدن، حالت چهره، حرکات و رفتار مورد نیاز است» (۱۹۹۳: ۱۷۰).

در مورد مسئله بدن زن در نخستین نشریات زنان ایران نوعی چرخش گفتمانی قابل پیگیری است: الف) از یک سو با متونی مواجه هستیم که در تقابل و نفی «جمال‌اندوزی» توجه و پرداختن زن به بدن را به عنوان یکی از امراض و بلائی ناشی از مستورگی و محبوسیت ایشان صورت‌بندی می‌کنند و به زنی که «کار و رفتارش به این محدود است که گاهی می‌رود لب آینه خودش را تماشا می‌کند» (شکوفه، ۶، محرم ۱۳۳۱: ۳) می‌تازند. مثلاً دلشاد چنگیزی در نشریه *عالم نسوان* ذیل گفت‌وگویی طنزآمیز میان یک زن ایرانی و یکی از زنان عضو انجمن نسوان ترقی‌خواه ترکیه، زنان ایران را «اسیر زیبایی و لباس و زینت» می‌داند و با بهره بردن از صنعت آبرونی ترقیات زنان ایران را اینگونه برمی‌شمارد: (۱) سعی کرده و می‌کنیم که چادرهایمان اطلس باشد؛ (۲) مد پاجین را

در هر شش ماه تغییر می‌دهیم؛^۳ دو گره بر پاشنه ارسی افزوده‌ایم و امیدواریم که بر آن بیفزاییم؛^۴ بند پیچه را بلند و قشنگ نموده و سعی می‌نماییم که هنگام عبور به دیگران نشان دهیم؛^۵ در تغییر رنگ جوراب و نازکی آن بر یکدیگر سبقت می‌جوییم... این‌ها کارهای برجسته ماست. ما چندان پای‌بست وطن و ترقی نیستیم. ما اسیر شیفته لباس و زینت و قشنگی خود هستیم» (عالم نسوان، ۱۳۰۴: ۵)؛

ب) از سوی دیگر با متونی چون «خوشبختی زن از چه تولید می‌شود» در نشریه زبان زنان مواجه هستیم که در آن «جمال‌اندوزی» و «غنچ» و دلبری به عنوان یکی از «تکنیک‌های جنگ و گریزهایی که طایفه اناثیه در آن متخصص هستند» و از قضا در جامعه حاضر «برای خوشبخت شدن» باید با آن به طور کامل آشنا باشند مورد اشاره قرار می‌گیرد (زبان زنان، مرداد ۱۳۱۰: ۶۱) چرا که «بزرگ‌ترین رجال سیاست، دین، حرب و علم در پیشگاه عشق و حتی در مقابل تمایلات جنسی و هوسات خویش زانو زده‌اند» (دختران ایران، سال اول، ش ۴: ۳۸). متونی که بسیاری از آن‌ها تا آنجا پیش می‌روند که به تأکید، زنان را از کار کردن - حتی در خانه خود - بر حذر می‌دارند و این مسئله را به طرق مختلف به ایشان گوشزد می‌نماید که کار خانه را کمافی‌السابق به کلفت‌ها بسپارید تا «پاکیزگی و زیبایی» خود را حفظ نموده و همواره نزد شوهران خود «پسندیده و مقبول» باقی بمانید (دانش، ذیقعد ۱۳۲۸: ۷). برآمدن مجموعه عظیمی از متون آموزشی و تبلیغاتی در رابطه مسئله «آرایش، توالد و تناسب اندام» و متونی که به طور مصرح از مسئله پسندیدگی و زیبایی اندام زن به عنوان یک ضرورت در دنیای امروزی سخن می‌گویند، حکایت از یک چرخش گفتمانی در فهم و بازنمایی ارتباط بدن و زنانگی دارد. متون گسترده‌ای از نشریات (نک راهنمای زنان، ۱۳۲۰) انتخاب لباس زیبا و حسن سلیقه در پوشش و نیز زیبایی زنان را «تکلیف هر زن متمدنه» معرفی می‌کنند و حجم عظیمی از محتوای نشریه را به آموزش و بحث حول آن اختصاص می‌دهند و «در هر شماره یکی دو نمونه با طرزی مطبوع و اسلوبی مرغوب از روزنامه‌جات آمریکا و اروپا اخذ نمود به ضمیمه دستوره‌های لازمه مناسب هر فصل به نظر خانم‌های محترم می‌رساند». سیر حرکت این متون با ورود به دوره پهلوی و پیشروی در آن به طور مشخصی استقلال‌یابی نظم گفتمانی نوینی را آشکار می‌سازد. با پیشروی در این سال‌ها حجم بالایی از متون در این زمینه در رابطه با آموزش تکنیک‌های زیبایی از طریق آرایش و ورزش و موارد دیگر، تقریباً در تمامی نشریات زنان این دوره به چاپ می‌رسد. حتی نشریه *زبان زنان* در

شماره سوم در سال ۱۳۲۳ در متنی تحت عنوان «اندام زیبا»، به تفکیک در رابطه با تکنیک‌های زیبایی مربوط به قسمت‌های مختلف بدن از جمله «گردن جوان»، «سینه و پستان‌های زیبا»، «کمر باریک» و ... به انتشار مستمر مطالبی می‌پردازد. در نشریاتی چون *راهنمای زندگی* که امکان چاپ تصویر رقاصه‌های نیمه برهنه، بندبازان زن، بازیگران و زیارویان جهان و نقاشی‌های برهنه زنان فراهم می‌آید، برای هر یک از اندام‌های بدن زن به طور دقیق اندازه ایده‌آل مشخص می‌شود «طول قامت ۱۶۸، گردن ۳۸/۵، سینه ۸۵، کمر ۶۰ سانتی‌متر و ...» (راهنمای زندگی، ۱۳۱۹، ش ۲: ۸) و راه‌های رسیدن به این اندازه‌ها ذیل سلسله مقالاتی آموزش داده می‌شود.

همچنین از این قرار است حجم عظیمی از متون که در این دوره به ضرورت داشتن و نیز آموزش رژیم برنامه‌ریزی شده برای زیبایی زنان و افزودن جذابیت ایشان منتشر می‌شده‌اند. سلسله متونی که تحت عنوان «زن محبوب» در شماره‌های متعدد عالم نسوان از این دست است که علی‌رغم تأکید بر مخاطرات رژیم‌های دشوار برای زنان: [«حتی در امریکا نیز»] در نتیجه رواج یافتن لاغری، طرز تغذیه هم تغییر یافته و بدین طریق به جای اینکه این مشکل حل شود بیشتر به آن لطمه زده است...» درباره ضرورت غیرقابل چشم‌پوشی مسئله «جذابیت و دلربایی زنان» و ارتباط آن با امر تغذیه، توضیح می‌دهد چراکه «تمام البسه مد جدید به قامت زنان خوش اندام و با تناسب دوخته می‌شود» و با پیش گذاشتن جداولی از قد و وزن پسندیده در رابطه با هنجارهای «دلربایی» زنان به ارائه رژیم‌های دقیقی به منظور رسیدن به این ایده‌آل‌ها می‌پردازد و در نهایت اینگونه توصیه می‌کند که تقلیل وزن کار هر کسی نیست و نیاز به شهامت و قوت اخلاقی دارد: «با جد و جهد و سختگیری مراقبت شود چه که سست‌عنصری و بی‌قیدی نمی‌گذارد به مقصود برسید... برای تقلیل وزن شهامت لازم است» (عالم نسوان، ۱۳۱۳: ۲۵).

این چرخش گفتمانی در دیگر مسائل مرتبط با بدن زن نیز به صورت موازی اتفاق می‌افتد. لذا در رابطه با مسئله پوشش یا رؤیت‌پذیری بدن زن نزاعی گفتمانی در می‌گیرد: از یک سو رؤیت‌پذیری بدن زن نجات‌دهنده زنان و ملت ایران حتی مانع از بسیاری فسادها و بداخلاقی‌ها معرفی می‌شود: «فلان زن بداخلاق که با روی بسته می‌توانست از مقابل شوهر یا ولی خود عبور کرده و به میعادگاه برود، حالا ناچار است نرود. آن زنی که درزیر پیچه خیار می‌خورد و تخمه می‌شکست حالا مجبور است حفظ نزاکت کند و در راه گذر چیزی نخورد. آنکه از فلان مغازه خرازی چیزی سرقت می‌کرد حالا مجبور است از حرکت زشت خود چشم‌پوشی کند» (زبان زنان

، تیرماه ۱۳۲۳: ۵۱). در همین راستا «تعمیم سُفور» (گشاده‌رویی) میان جامعه نسوان ایرانی بر تمام مسائل اجتماعی مقدم» (عالم نسوان، شهریور ۱۱۳۱، ۵۱۲-۳۱۲) و مقدمه لازم برای تحقق آزادی زن دانسته می‌شود.

از سوی دیگر با برشمردن دلمشغولی و نگرانی‌هایی که همین تعمیم سُفور برای زنان به دنبال داشته درصدد تبیین این نکته برآمده‌اند که «هیچ ملازمه‌ای بین رفع حجاب و آزادی زن‌ها نیست» (زبان زنان، ۱۳۲۱، ش ۲۳: ۳۵) و با اشاره به نمونه‌هایی از مقاومت زنان در برابر تحمیل استانداردهای زیبایی و تناسب اندام همچون «نهضت بر ضد بی‌حفاظی» [البسه خارج از حفاظ، پارچه‌های نازک بدن‌نما، دکولته، دامن کوتاه و تنگ] (عالم نسوان، س ۳، ش ۲: ۳۶) به زنان درباره نگاه‌های جنسیت‌زده که آزادی حقیقی ایشان را تهدید می‌کند، هشدار می‌دهند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحلیل گفتمان نخستین نشریات زنان ایران نشان می‌دهد که بر خلاف خوانش مسلط، هویت جنسیتی زن در این متون در دو قطب زنانگی سنتی و زنانگی مدرن بازتعریف نمی‌شود چرا که زبان این نشریات هیچ روش واحد و یکپارچه‌ای برای اعمال زنانگی یا زن بودن بازتولید نمی‌کند بلکه نسخه‌های مختلف زنانگی را در دسترس قرار می‌دهد. این نشریات با برساخت ایدئولوژی‌های گوناگونی از زنانگی همچون «زنانگی مردسالار»، «زنانگی برابری‌خواه»، «زنانگی قدرتمند»، «زنانگی ملی‌گرا» و «زنانگی تنانه» مجموعه‌ای از گفتمان‌ها یا هویت‌های رقیب و بالقوه متناقض را درباره چستی زن ایده‌آل پیش‌رو می‌نهند. تجزیه و تحلیل واژگان، انتخاب‌های استعاری و ساختارهای بلاغی نشان می‌دهد که زبان نشریات در پیوستاری تاریخی زنانگی را در طیف گفتمانی گسترده‌ای از بازتولید مردسالاری تا برساخت پسا فمینیستی زن ایده‌آل قرار می‌دهد. ساختار بلاغی و گزینش‌های واژگانی این نشریات حامل نوعی فمینیسم فرهنگی است که زنان را تشویق می‌کند بر ویژگی‌های منحصر به فرد خود به عنوان زن تمرکز کنند و کلیشه‌های زنانگی را بپذیرند و اگر چه نشانه‌ها و تلاش‌هایی را برای اعمال گفتمان‌های مقاومتی و فمینیستی بازتاب می‌دهد، در نهایت احساس مسئولیت قوی برای به تصویر کشیدن کلیشه‌های زنانگی را بازتولید می‌کند. به نظر می‌رسد زنان از طریق زبان به دنبال راه‌هایی برای ادغام جنبه‌های گوناگون زنانگی هستند که آن‌ها را در جامعه به تعارضات فراوانی دچار کرده است.

فهرست منابع

- Zakai, Mohammad Saeed, Amanpour, Maryam and Akbari, Andisheh. (2019). Archaeology of the Construction of Femininity in Iran from the Constitutional Era to the End of the First Pahlavi Dynasty. *Sociology of Iran*, 20(4), 86-115. (in Persian)
- Sharifi Sa'i, Mohammad Hossein. (1401). History of Women's Awakening; Representation of Women and Family Issues in Journalism during the Constitutional Era. *Quarterly Journal of Culture and Communication Studies*, 23(60), 63-98. (in Persian)
- Torabi Farsani, Soheila. (2016). Women and the Development of Discourse through Women's Publications (From Constitutional to Pahlavi). *History of Islam and Iran*, 26(30), 69-92. (in Persian)
- Ajand, Yaqoub (1984). *Modern Iranian Literature from the Constitutional Revolution to the Islamic Revolution*. Tehran: Amir Kabir. (in Persian)
- Babran, Sedighe (2002). *Historical History of Women's Publications in Contemporary Iran*. Tehran: Roshangaran and Women's Studies. (in Persian)
- Rabino, H. L. (2001). *List of Iranian newspapers from the beginning to 1329 AH*. Tehran: Information. (in Persian)
- Journal of the Patriotic Women's Association* (1303). No. 7, 8. (1302). No. 1, 2, 5, 6. (1304). No. 9. (in Persian)
- Journal of the Jahan Zanan Magazine* (1229 AH). Vol. 1. (1300). Issues 3, 4 and 5. (in Persian)
- Journal of the Danesh Magazine* (1328 AH). Vols. 1, 2, 3, 4, 6, 8. (1329 AH/1289 AH). Issue 14. (in Persian)
- Journal of the Girls of Iran Magazine* (1931). Issue 1. (1932). Issues 3, 4, 5, 6, 7 and 8. (in Persian)
- Journal of the Women's Language Magazine* (1338 AH). Nos. 2, 3, 5, 11, 12, 14, 17, 21, 22. (1338 AH). Nos. 6, 9, 11 and 31. (1339 AH). No. 29. (in Persian)
- Journal of the Shokoofeh Magazine* (1332 AH). No. 8, 9, 11, 18, 19, 21, 23, 24. (1333 AH). No. 12. (1334 AH). No. 11. (1331 AH). No. 3, 5, 14, 15, 16, 17, 18. (in Persian)
- Journal of the Alam Naswan Magazine* (1300). Issues 2 and 4. (1301). Issues 1 and 5.N (1302). Issues 2, 5 and 6. (1305). Issue 1. (1306). Issue 6. (in Persian)
- Women's Letter Publication* (1299). Issues 3, 5, 8 and 10. (1300). Issues 11, 12 and 13. (1299). No. 2, 3, 4, 5. (in Persian)
- Patriotic Women of Iran Magazine* (1923). Issues 1, 2, 3, 5 and 6. (1924). Issues 7 and 8. (in Persian)
- Betterton, Rosemary. 1987. *Looking on: Images of femininity in the visual arts and media*. London: Pandora Press.
- Bordo, Susan. 1993. *Unbearable weight: Feminism, western culture, and the body*. Berkley, CA: University of California Press.
- Coates, Jennifer. 1996. 'Thank god I'm a woman': The construction of differing femininities. In Jennifer Coates, *Women Talk*. Cambridge, MA: Blackwell Publishers, 232-262.
- Emeksiz, G. (2021) The Stereotypical Representation of Females in Women's Health Magazine's Cosmetic Advertisements. *Open Journal of Social Sciences*, 9, 53-70.
- Freedman, Rita. ۱۹۸۶. *Beauty Bound*. Lexington, Massachusetts: D.C. Health and
- Gee, J. P. (2014). *how to do discourse analysis: a toolkit* (2nd ed.). New York, NY: Routledge.

- Hall, Kira. 2004. Language and marginalized places. In Bucholtz, Mary (ed.), *Language and Women's Place: Text and Commentaries*, revised and expanded edition, original text by Robin Lakoff. New York: Oxford, 171-177.
- Holmes, Janet. 1997. Women, language, and identity. *Journal of Sociolinguistics* 1(2):
- McConnell-Ginet, Sally. 2004. Positioning ideas and gendered subjects. In Bucholtz, Mary (ed.), *Language and Women's Place: Text and Commentaries*, revised and expanded edition, original text by Robin Lakoff. New York: Oxford. 136-142; 195-223.
- Beijbom, M., Fabricius, A., & O'Doherty, K. C. (2023). Women's health magazines and postfeminist healthism: A critical discourse analysis. *Feminism & Psychology*, 33(4), 604-621.
- Berkley: University of California Press.
Company.
- Gee, J. P. (2018). *Introducing discourse analysis: From grammar to society*. New York, NY: Routledge.
- Gimlin, Debra L. 2002. *Body Work. Beauty and Self-Image in American Culture*.
- Lakoff, Robin. 2003. Language, gender, and politics: Putting "women" and "power" in the same sentence. In Holmes, Janet and Miriam Meyerhoff, *The Handbook of Language and Gender*. Malden, MA: Blackwell Publishing.
- Snow, Robert P. 2019. *Creating media culture*. Beverly Hills: Sage.
- Talbot, Mary. 1998. *Language and Gender*. Cambridge, UK: Blackwell Publishers.
- Wodak, Ruth. 1997. Introduction: some important issues in the research of gender and discourse. In Ruth Wodak, Ed. *Gender and discourse*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

